

مادرنیت، عقلانیت و معنویت

مؤلف:

حشمت الله استوی

انتشارات آوای تاریخ
۱۳۹۷

سرشناسه	: رستمی، حشمت‌الله، ۱۳۵۷.
عنوان و نام پدیدآور	: تاثیر عقلانیت و معنویت / مؤلف: حشمت‌الله رستمی
مشخصات نشر	: ایلام: آوای تاریخ، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۵۵-۲۴-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: تجدد
موضوع	: modernity
موضوع	: عقاید گرای
موضوع	: Rationalism
موضوع	: معنویت
موضوع	: Spirituality
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷/۳۲۰/۵۱۰ B۱۰
رده بندی دیویی	: ۱۰۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۶۷۲۵۱



آوای تاریخ

مدرنیته، عقلانیت و معنویت

مؤلف	حشمت‌الله رستمی
سال چاپ اول	۱۳۹۷
شمارگان	۱۰۰۰
ناشر	آوای تاریخ
صفحه آرای	فریده مروتی
طراح جلد	گلپونه
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۴۵۵-۲۴-۱
قیمت	۱۲۰۰۰۰ ریال
آدرس: ایلام، پاساژ مرکزی، طبقه فوقانی، مؤسسه منجی	۰۹۱۸۸۴۳۰۰۱۳

پیشگفتار

یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه‌ی فلسفه‌ی دین و معنویت پژوهی نسبت میان معنویت و عقلانیت است. تنوع در انگیزه‌ها و رویکردها در باب معنویت، سبب ارائه تفاسیر متفاوت در این خصوص شده است. برخی، معنویت را نه تنها متفاوت از دین، بلکه متباین و حتی متضاد با آن دانسته‌اند. در این میان مصطفی ملکیان یکی از نوآندیشان این با طرح نظریه عقلانیت و معنویت تعریف جدیدی از معنویت و دینداری ارائه می‌نماید که در آن انسان مدرن با تبیین عقلانی گزاره‌های دینی و سنجش میزان استدلال‌پذیری آنها، دین عقلانی شده را معنویت دانسته و آن را تنها راه نجات انسان‌ها می‌داند. این نظریه دین‌داری سستی را غیرعقلانی و ناکارآمد دانسته و معتقد است در دنیای مدرن نمی‌توان به عبادت، دستورات و احکام دین سستی شد. آقای ملکیان تنها راه نجات بشریت را پناه آوردن به این نظریه می‌داند. در این تحقیق مبانی، ارکان و لوازم نظریه به لحاظ فلسفی، کلامی، و روش‌شناسی مورد بررسی و نقد قرار گرفته و در پایان به ناتوانی این نظریه در ارائه راهی برای نجات بشریت استدلال شده است.

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۱۳

فصل اول: کلیات

۱-۱. تبیین موضوع.....	۲۱
۱-۲. جایگاه موضوع.....	۲۲
۱-۳. اهمیت موضوع.....	۲۳
۱-۴. پیشینه موضوع.....	۲۴
۱-۴-۱. کتاب.....	۲۴
۱-۴-۲. مقالات.....	۲۴
۱-۵. پرسش‌های اصلی و فرعی.....	۲۵
۱-۶. روش.....	۲۵
۱-۷. فرضیه.....	۲۵
۱-۸. اهداف.....	۲۶

فصل دوم: نظریه عقلانیت و معنویت

۲-۱. پیشینه بحث.....	۲۹
۲-۲. جایگاه نظریه.....	۳۲
۲-۳. تدین.....	۳۴
۲-۴. تجدید.....	۳۵
۲-۶. مولفه‌های اجتناب ناپذیر مدرنیته.....	۳۷
۲-۶-۱. مولفه اول: استدلالی بودن در مقابل متعبد بودن.....	۳۷
۲-۶-۲. مولفه دوم: بی‌اعتمادی به تاریخ در مقابل قطعیت بخشیدن به آن.....	۳۸
۲-۶-۳. مولفه سوم: اینجایی و اکنونی بودن در برابر وعده‌های آخرتی.....	۳۸
۲-۶-۴. مولفه چهارم: متافیزیک فرو ریخته در مقابل متافیزیک‌های سنگین.....	۳۹

- ۴۰..... ۲-۶-۵. مولفه پنجم: قداست زدایی در مقابل تقدس
- ۴۱..... ۲-۶-۶. مولفه ششم: نگاه جهانی در مقابل نگاه مقطعی و منطقه‌ای
- ۴۲..... ۲-۷. رویکرد عقلانیت و معنویت
- ۴۲..... ۲-۷-۱. رویکرد، نه مکتب
- ۴۴..... ۲-۷-۲. عقلانیت
- ۴۴..... ۲-۷-۳. عقلانیت نظری و عملی
- ۴۷..... ۲-۷-۴. عقلانیت سنتی و عقلانیت مدرن
- ۴۹..... ۲-۷-۵. بشر عقلانیت در نظریه
- ۵۰..... ۲-۸. معنویت
- ۵۰..... ۲-۸-۱. معنویت چیست؟
- ۵۲..... ۲-۸-۲. انسان معنوی کیست؟
- ۵۶..... ۲-۸-۳. رابطه‌ی عقلانیت و معنویت
- ۵۹..... ۲-۹. نظریه‌های بدیل
- ۵۹..... ۲-۹-۱. بنیادگرایی
- ۶۱..... ۲-۹-۱-۲. ارکان فکری بنیادگرایی مسیحی
- ۶۳..... ۲-۹-۲. سنت گرایی
- ۶۳..... ۲-۹-۳. مدعیات سنت گرایی
- ۶۴..... ۲-۹-۳-۱. مدعیات مابعد الطبیعی
- ۶۴..... ۲-۱۰. مدعیات انسان شناختی
- ۶۴..... ۲-۱۱. مدعیات اخلاقی
- ۶۵..... ۲-۱۲. اصول سنت گرایی
- ۶۵..... ۲-۱۲-۱. حکمت جاویدان
- ۶۶..... ۲-۱۲-۲. وحدت متعالی ادیان
- ۶۶..... ۲-۱۲-۳. علم دینی
- ۶۷..... ۲-۱۳. نواندیشی دینی
- ۶۸..... ۲-۱۳-۱. قواعد نواندیشی دینی
- ۶۸..... ۲-۱۳-۱-۱. شروع از یقینات
- ۶۸..... ۲-۱۳-۱-۲. پرهیز از تفسیر به رأی

۶۹	۲-۱۳-۱. پرهیز از التقاط فکری.....
۶۹	۲-۱۴. نظریه‌های مشابه.....
۶۹	۲-۱۴-۱. سکولاریسم.....
۷۱	۲-۱۵. تغییر دینی.....

فصل سوم: تحلیل مبانی، لوازم و پیامدهای نظریه

۷۵	۳-۱. ارکان نظریه.....
۷۵	۳-۱-۱. عقلانیت.....
۷۶	۳-۱-۲. واقع گرایی.....
۷۷	۳-۱-۳. عقل مدرن.....
۷۸	۳-۱-۴. عقل صرف.....
۷۹	۳-۱-۵. معنویت.....
۸۲	۳-۱-۶. فرایند، نه فراورده.....
۸۳	۳-۲. نسبت معنویت با دین.....
۸۳	۳-۳. گوهر دین.....
۸۴	۳-۴. زندگی اصیل.....
۸۵	۳-۴-۱. هایدگر و اصالت زندگی.....
۸۶	۳-۴-۲. راجرز و اصالت زندگی.....
۸۷	۳-۵. اصالت در نظریه عقلانیت و معنویت.....
۸۸	۳-۶. زندگی آرمانی.....
۸۸	۳-۶-۱. مؤلفه‌های زندگی آرمانی.....
۸۹	۳-۶-۲. امکان حصول زندگی آرمانی.....
۹۰	۳-۶-۳. رضایت باطن.....
۹۱	۳-۷. مبانی نظریه.....
۹۱	۳-۷-۱. سکولاریسم.....
۹۲	۳-۷-۱-۱. واژه‌شناسی سکولاریسم.....
۹۲	۳-۷-۱-۲. چستی سکولاریزم.....
۹۳	۳-۷-۱-۳. سکولاریسم سیاسی.....

۹۴	 ۳-۷-۱-۴. سکولاریسم اخلاقی
۹۴	 ۳-۷-۲. اومانیزم
۹۵	 ۳-۷-۲-۱. واژه‌شناسی اومانیزم
۹۷	 ۳-۷-۲-۲. اصول فکری اومانیزم
۹۸	 ۳-۷-۳. مدرنیسم
۹۹	 ۳-۷-۳-۱. واژه‌شناسی مدرنیسم
۹۹	 ۳-۷-۳-۲. چیستی مدرنیسم
۱۰۰	 ۳-۷-۳-۳. اصول مدرنیته
۱۰۰	 ۳-۸. لوازم نظریه
۱۰۰	 ۳-۸-۱. انکار دین سنتی
۱۰۱	 ۳-۸-۲. استدلالی بودن
۱۰۲	 ۳-۸-۳. عدم اتکاء به تاریخ
۱۰۳	 ۳-۹-۴. فروپاشی متافیزیک جامع
۱۰۴	 ۳-۸-۵. تلقی از دین
۱۰۵	 ۳-۶-۶. اتکاء به عقل مدرن

فصل چهارم: بررسی و نقد نظریه فلاسفه و معنویت

۱۰۹	 ۴-۱. نقد معرفت‌شناختی
۱۰۹	 ۴-۱-۱. راز
۱۱۲	 ۴-۱-۲. وظایف معرفت‌شناختی
۱۱۳	 ۴-۱-۳. تفاوت دین و معنویت
۱۱۵	 ۴-۱-۴. حقیقت‌طلبی
۱۱۶	 ۴-۲. نقد روشی
۱۱۶	 ۴-۲-۱. فروکاهش دین
۱۱۹	 ۴-۲-۲. احکام کلی
۱۱۹	 ۴-۲-۲-۱. ادیان
۱۲۰	 ۴-۲-۲-۲. گذر از سنت به تجدد
۱۲۰	 ۴-۲-۳. النقاط

۱۲۲	 ۴-۳ نقد فلسفی
۱۲۲	 ۴-۳-۱ عقل
۱۲۳	 ۴-۳-۲ سنخ روانی
۱۲۵	 ۴-۳-۳ عقلانیت
۱۲۵	 ۴-۳-۱ عقلانیت و استدلال گرایی
۱۲۶	 ۴-۳-۲ استدلال گرایی و سنت
۱۲۷	 ۴-۳-۳ عقلانیت و معنویت
۱۲۸	 ۴-۳-۴ دین غیر عقلانی و معنویت عقلانی
۱۲۹	 ۴-۴ فلسفه جامع حیات
۱۳۰	 ۴-۵ متافیزیک
۱۳۳	 ۴-۶ نقد کلامی
۱۳۳	 ۴-۶-۱ ایمان
۱۳۶	 ۴-۶-۲ دین
۱۳۸	 ۲-۷ ضعف های ادیان
۱۴۲	 ۴-۸ جدایی معنویت از دین
۱۴۳	 ۴-۹ گوهر دین
۱۴۵	 ۴-۱۰ دین و اصالت
۱۴۷	 ۴-۱۱ تعبد
۱۵۰	 ۴-۱۲ نقد درونی
۱۵۰	 ۴-۱۲-۱ نخبه گرایی
۱۵۲	 ۴-۱۲-۲ رضایت باطن
۱۵۴	 ۴-۱۲-۳ کاهش رنج
۱۵۶	 ۴-۱۳ عقلانیت و اصول بدون دلیل
۱۵۷	 ۴-۱۴ انسان معنوی
۱۵۸	 ۴-۱۵ کارنامه تجدد
۱۶۰	 ۴-۱۵-۱ اصالت تجدد
۱۶۱	 ۴-۱۵-۲ علم زدگی
۱۶۲	 ۴-۱۵-۳ عقلانیت ناقص

۱۶۳	۴-۱۵-۴. تجدد اجتناب‌ناپذیر
۱۶۴	۴-۱۶. برتری آیین بودا بر ادیان ابراهیمی

فصل پنجم: نتیجه

۱۷۳	۵-۱. مقدمه
۱۷۴	۵-۲. عدم تباین میان دین و معنویت
۱۷۶	۵-۳. عقلانیت در اسلام
۱۷۹	۵-۴. آغاز جهان بینی جدید
۱۸۰	۵-۵. تطبیق اسلام با مدرنیته در جهان اسلام
۱۸۲	۵-۶. رویکرد دین پژوهان اسلامی به دین
۱۸۲	۵-۷. کاستی‌های عقل
۱۸۴	۵-۸. معنویت معنوی‌ستیز
۱۸۵	۵-۹. دین و معنویت، پناه اندان مدرسان
۱۸۵	۵-۱۰. امتیازات معنویت اسلامی
۱۸۶	۵-۱۰-۱. وحيانی بودن
۱۸۶	۵-۱۰-۲. جامعیت
۱۸۶	۵-۱۰-۳. حرکت بخشی
۱۸۶	۵-۱۰-۴. معرفت‌افزایی
۱۸۷	۵-۱۰-۵. گرفتار نشدن در دام ملاک‌ها و معیارهای بشری
۱۸۷	۵-۱۱. انحصار معنویت در معنویت اسلامی
۱۸۹	۵-۱۲. سخن آخر
۱۹۲	فهرست منابع

مقدمه

انسان موجود تشنه‌ای است که عطش او را تنها دین ناب فرو می‌نشانند و او را سیراب می‌کند حال اگر انسان تشنه را به نمکزار علم‌گرایی و دین‌گریزی سوق دهیم نه تنها تشنگی او برطرف نخواهد شد که بر نیاز او افزوده و او را مستاصل خواهیم کرد. بشر امروز سرشار از نیاز، اسیر و مطالبه است لیکن بسیاری از این نیازهای فطری و غیر فطری او در آموزه‌های دینی شکاف داشته می‌شوند. در این بین ممکن است گاهی انسان دچار این پندار شود که با تکیه بر نیاز خود و محوریت انسان، می‌تواند همه جهات وجودی خود را بشناسد و دغدغه‌های ذهن، آرام خود را به سامان برساند. بشر امروز با تجربه کردن همه مرام‌ها و مسلک‌های علمی و علمی همه خواسته‌های خود از دین را فهرست کرده و به دنبال راه چاره‌ایست که خود را آرام سازد. اگر انسان امروز بداند همه قوا و نیروهای بشری، اعم از عقل و آراء و افکار مردم تنها در سایه وحی و اتصال به مقام ربوبی کارآیی لازم و مناسب دارند بی شک امید به سعادتی را در خود تقویت کرده بلکه به یقین می‌توان گفت قدم اول را درست برداشته است.

حوادث و رویدادهایی همچون رنسانس، جنبش اصلاح دینی، جریان روشن اندیشی و عقل‌گرایی و انقلاب صنعتی که در غرب آغاز شد با وجود آثار سودمندی که در زمینه زندگی اجتماعی و مادی انسانها داشتند موجب بروز بحران‌ها و نارسایی‌هایی در عرصه‌های مختلف زندگی انسانی از جهت معرفتی، روانی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی شده است. امروز بشر به خاطر فاصله گرفتن از آموزه‌های حیات بخش دین اصیل در بعد معرفتی دچار تحجر علمی و عدم ثبات در آراء و عقاید، در بعد روحی و روانی دچار

تردید و افسردگی و اضطراب، فقدان آرامش و به تعبیری بی خویشتنی و از لحاظ اخلاقی دچار انحرافات گسترده شده است. برخی ریشه این مشکلات را در امور ذیل دانسته اند:

۱- فقدان نظرات بنیادین مذهبی، اخلاقی، و فلسفی درباره هستی و انسان، مفهوم زندگی و امکاناتی که بشر به مدد آن می تواند به سعادت برسد.

۲- فقدان پاسخ های مطمئن و موثق به رازهای هستی و آغاز و انجام آن

۳- فقدان ارزش های مذهبی و اخلاقی که می توانست تصمیم ها و عمل کردها را هدایت کند. روز به روز ضایعات بیشتری به بار می آورد (ژان فوراستیه، ۱۹۰۷: ۱۰۸).

مشکل این فقدان ها مبارزه معماران اندیشه نوین با دین و دین مداری است که به نظر آنان سد راه پیشرو و تجدیدگرایی انسان است. فیلسوفانی چون اسپینوزا به استقلال عقل بشر از وحی، به عنوان معیار انبیا حقیقت نظر دادند و برخی چون در فلسفه تجربی، علیت را نفی و براهین خداشناسی را نقاد کردند. فیلسوفی چون کانت با بررسی حدود شناسایی عقل اظهار داشت که عقل بشر، نه می تواند به شناخت خدا نائل شود و نه بر وجود او برهان اقامه کند. پیدایش فلسفه های پدیدارشناسی و اکریستانتسیالیسم و نیز پوزیتیویسم، بشر را گرفتار فلسفه های ضد «مابعدالطبیعی» کردند.

علم گرایی جدید که علم جدید را روشی برای کسب حقایق به همه چیز تبدیل کرده است، هیچ نظری را جز در صورتی که علمی باشد برای حوصله معرفت، جدی تلقی نمی کند و امکان هرگونه راه و روش دیگری برای شناخت را منتفی دانسته و معنویت زندگی انسان را از میان برده است.

زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دنیای متجدد به دلیل اعتقاد به جدایی دنیا و آخرت و اقتدار دنیوی و اخروی و حذف دین از صحنه های اجتماعی، میدان را برای حاکم شدن آراء و اندیشه های انسانی منقطع از وحی باز کرده است.

بر اساس تفکر اومانیسم و انسان محوری، این انسان است که توان شناخت همه حقایق و همه نیازهای خود را دارد و به حقیقتی غیر از خود نیاز ندارد تا حقایقی را به او

بشناساند یا نیازهای او را برآورده سازد. احساس بی نیازی نسبت به خدا و دین، برای انسان بحران‌ها و نارسایی‌هایی ایجاد کرده است که او را به این فکر وادار کرده که چگونه می‌تواند بر این بحران‌ها فائق آید (آیت الله جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۱۷).

چون بشر به این نکته دست یافت که بدون دین و معنویت نمی‌تواند زندگی سعادت‌مندانه داشته باشد لذا با این سوال روبروست که برای تامین معنویت چه باید کرد؟ با گسترش گرایش بشر به معنویت در قرن اخیر، نظریه پردازی پیرامون این مقوله نیز مورد توجه متفکران حوزه دین واقع شده است. در این میان بررسی نسبت عقلانیت و معنویت، یکی از موضوعات مورد بحث فیلسوفان دین و معنویت پژوهان بوده است. جنبش معنویت خواهی در دهه ۷۰ به دهه ۸۰ در ایران شکل گرفته و برخی جریان‌های معنویت گرا تحت عنوان اندیشه‌های، نهضت سوم روانشناسی، عرفان شرقی و هندوئیسم نوین به نوعی معنویت بدون دین را پیگیری می‌کنند. این نظریه پردازان هرچند به معنویت بدون دین اقرار ندارند، ولی در عمل به گونه‌ای رفتار می‌کنند که به دین و تکالیف دینی در حوزه عمل انسان بی‌تفاوتند.

جریان روشنفکری یکی از جریان‌های تاثیرگذار در انتیتهای معاصر بوده است و در میان شاخه‌های مختلف روشنفکری، روشنفکری دینی اهمیت خاصی دارد و از آنجا که مدعیات فراوانی در زمینه تفسیر دین و عقاید دینی ارائه کرده‌اند آنها نیازمند بررسی و احیاناً نقد می‌باشند. یکی از شخصیت‌های جریان روشنفکری در ایران معاصر آقای مصطفی ملکیان است. معنویت‌گرایی نوین در ایران از سال ۱۳۷۹ با طرح نظریه جدیدی تحت عنوان "عقلانیت و معنویت" توسط ایشان وارد مرحله جدیدی شد. ایشان چه در مقالات و گفتگوهای خود و نیز در سخنرانیهای مختلف به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم از این طرح سخن گفته و اهمیت آن را یادآور شده‌اند. ایشان در کتاب خود به نام "راهی به رهایی" این پروژه را پروژه‌ای می‌داند که تنها راه رهایی

است و باید ادای حق هر یک از این دو فضیلت عقلانیت و معنویت را به جا آورد (ملکیان، ۱۳۸۱).

این کتاب تلاشی است برای بررسی و نقد نظریه عقلانیت و معنویت. بدین منظور سعی می‌شود ابتدا تقریری روشن از این نظریه ارائه و اجزای مختلف این نظریه را بازخوانی کنیم سپس به بررسی و تحلیل و نقد آن پردازیم. این کتاب از پنج فصل تشکیل شده است. فصل اول به کلیات خواهد پرداخت و در آن به اموری چون جایگاه، اهمیت و پیشینه موضوع، فرضیه و روش اشاره شده است. در فصل دوم تلاش می‌شود تا تقریری روشن از نظریه عقلانیت و معنویت ارائه شود. همچنین در این بحث برای روشن تر شدن نظریه به صورت مختصر به نظریات مشابه و بدیل نیز اشاره خواهد شد.

در فصل سوم پیشینه‌ها، مبانی، همچنین لوازم نظریه عقلانیت و معنویت مورد تحلیل و بررسی قرار خواهند گرفت. در فصل چهارم این کتاب مدعیات نظریه مورد ارزیابی و نقد قرار خواهند گرفت و به لحاظ فلسفی، کلاسی و معرفت‌شناسی نقد می‌شوند.

کتاب در مورد نظریه عقلانیت و معنویت دارای دشواری‌ها و نیز خصوصیات مثبت ویژه‌ای است. از جمله دشواری‌های این موضوعات، منبع مناسب برای کتاب است. آقای ملکیان، این نظریه را از حدود سال ۱۳۷۹ شرح کرده‌اند و در طول ۱۴ سال گذشته، به شرح و بسط آن پرداخته‌اند. اما هیچ‌گاه یک کتاب انسجم و مستقل در مورد آن ارائه نکرده‌اند. تمام آنچه برای تحقیق در اختیار پژوهشگر است مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و برخی از مقاله‌هاست. در این بین بررسی از این آثار به مرحله چاپ و نشر رسیده‌اند و برخی نیز تنها در سایت‌ها و وبلاگ‌های غیر رسمی منتشر شده‌اند. برخی از نظرات مهم آقای ملکیان در مورد این نظریه اصلاً (برحسب تبع نگارنده) در هیچ مجله یا کتاب علمی منتشر نشده است و گاهی اوقات نیز پژوهشگر باید نظرات نظریه پرداز را از میان مصاحبه یا برخی از روزنامه‌ها بیابد.

همین گستردگی و پراکندگی بیانات نظریه پرداز در طول این سالها موجب شده است که اظهارات متفاوت و گاه متعارض در موارد خاص بیان شود و به نظر می رسد این امر خود به علت نداشتن کتابی منجسم است. این پراکندگی گاهی باعث لغزش مفاهیم می شود به طوری که اگر فردی تمام آثار ایشان را در طول این مدت با دقت بخواند متوجه خواهد شد که برخی از مفاهیم در طول این مدت، دچار تغییر ماهوی شده اند و طبعاً این تغییرات برای مخاطب در فهم نظریه مشکل ایجاد می کند.

www.ketab.ir